

## جلوه‌های فرهنگی و تمدنی روستای سر آقا سید در چهارمحال و بختیاری

اردشیر آخوندی سورکی

### سیمای استان چهارمحال و بختیاری

چهارمحال و بختیاری از دیرباز و حداقل از قرن هفتم هجری به دو منطقه فرهنگی مجزا شامل چهارمحال (محال اربعه: لار، کیار، میزدج و گندمان) و منطقه بختیاری اطلاق می‌شده است. از ۱۳۵۲ استان چهارمحال و بختیاری به مرکزیت شهرکرد تشکیل شد که در حال حاضر دارای شش شهرستان، ۲۲ شهر و ۹۲۸ روستا دارد.

### موقعیت جغرافیایی و طبیعی

استان چهارمحال و بختیاری در ناحیه غربی ایران در بخش مرکزی فلات ایران و رشته‌کوه‌های زاگرس، بین کوه‌های غرب و پیشکوه‌های داخلی و استان اصفهان واقع شده است. این استان از شمال و شرق، استان اصفهان (شهرستان‌های نجف‌آباد، لنجان، شهرضا و سمیرم)؛ از غرب، استان خوزستان (شهرستان‌های ایذه و مسجد سلیمان)؛ از جنوب، استان کهگیلویه و بویراحمد و از شمال غرب، استان لرستان را در همسایگی خود دارد.

مساحت استان در حدود ۱۶۵۳۳ کیلومتر مربع است و تقریباً ۱٪ از کل مساحت کشور را شامل می‌شود. جمعیت استان در سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ معادل ۷۶۱۱۶۸ نفر بوده که در سال ۱۳۷۷ معادل ۷۸۹۷۰۰ نفر پیش‌بینی شده است. ارتفاع استان از سطح دریا ۴۵۳۶-۱۸۰۰ متر است که قریب به هشتاد درصد استان را قسمت کوهستانی و بیست درصد آن را قسمت جلگه‌ای دربرمی‌گیرد.

در غرب استان، کوه‌های مرتفعی قرار گرفته که محل ذخیره آب رودخانه‌های دائمی زاینده‌رود و کارون است. از مهم‌ترین این رشته کوه‌ها، زردکوه با بلندترین قله ۴۵۳۶ متر ارتفاع از سطح دریا و پس از آن سبزکوه، سفیدکوه کارکنان، منگشت، سالدرا، جهان‌بین و کوه ریگ قرار دارند.

در شرق استان و جنوب‌غربی و جنوب‌شرقی آن دشتهای نسبتاً وسیع مانند: لار، لردگان، فلارد، خان‌میرزا، گندمان، بلداجی، امام قیس، فرادنبه، سفید دشت و کیار تشکیل شده که وسعت مجموع دشتهای قابل زراعت قریب به ۳۵۰۰ کیلومتر مربع است.

### آب و هوا

استان چهارمحال و بختیاری به علت کوهستانی بودن و ارتفاع زیاد آن از سطح دریا خصوصیات آب و هوایی ویژه‌ای دارد. در اکثر نقاط این استان از اواسط پاییز تا فروردین ماه برف می‌بارد و در تابستان نیز درجه حرارت از حد معینی تجاوز نمی‌نماید.

طول دوره سرمای سالانه چهار تا پنج ماه و فصل یخبندان معمولاً از نیمه دوم آبان ماه آغاز می‌شود که مدت این فصل از ۱۰۴ روز کمتر و از ۱۰۷ روز بیشتر نیست. سردترین ماهها، دی و بهمن است که حداکثر درجه حرارت در این دو ماه بین ۵- تا ۱- درجه سانتیگراد و گرم‌ترین ماههای سال تیر و مرداد است که درجه حرارت هوا در تیر ماه بین ۳۸- تا ۳۵- درجه سانتیگراد نوسان دارد. میانگین سالانه دما از ۳/۵ درجه در ارتفاعات شمالی تا ۱۸/۵ درجه در نقاط پست جنوبی متغیر است. میزان بارندگی حداقل ۲۶۲ و حداکثر ۵۵۰ میلیمتر و میانگین آن در ارتفاعات زردکوه حدود ۱۶۰۰ میلیمتر در سال است.



اقلیم استان تا ارتفاع سه هزار متری به سه اقلیم زیر تقسیم‌بندی شده است:

- کوه‌رنگ (شمال غرب): مرطوب، معتدل با زمستانهای بسیار سرد.
- شهرکرد (شرق): نیمه مرطوب، معتدل با زمستانهای سرد.
- لردگان (جنوب): نیمه مرطوب، گرم با زمستانهای نیمه سرد.

ارتفاعات بیش از سه هزار متر (اقلیم کوهستانی) اقلیم بسیار مرطوب، خشک و با زمستانهای بسیار سرد دارد.

### پوشش گیاهی و جنگلی

در اکثر نقاط استان چهارمحال و بختیاری پوشش گیاهی وجود دارد که تحت تأثیر آب و خاک و ارتفاع مکان، این پوشش متنوع و متفاوت است. در نواحی چلگرد و شوراب، بازفت، اردل، شهرپاری، کوه سفید، لاغرک، کوه میلاس و چشمه اول کوه‌رنگ درختچه‌های نسبتاً متراکم و گسترش یافته‌ای رشد می‌کنند که مهم‌ترین آن «گون» است. در فواصل این درختچه‌ها علوفه دائمی رشد مناسب دارد.

گونه‌های گیاهی استان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- گیاهان خوراکی و دارویی که عبارت‌اند از: آویشن، افسنتین، اسطوخدوس، بنفشه، بابا آدم، شاه تره، بادرنجونه، بادیان، بومادران، پیچک زمینی، ترشک، تره تیزک، خردل، گل پنیرک، بارهنگ، رازیانه، خاکشیر، مخلصه، کاسنی، شیرین بیان، زرونی، برنجاسف، سنا، بولاغ اوتی (بولاغ اودی)، مرزنجوش، گل ختمی، گل شاه پسند، اکلیل الملک، گل گاوزبان، گل ارونه، گزانگبین، گون زرد، گون سفید، باریجه، نعنای کوهی، همیشه بهار، توله، اوندول، بصر، ململیاس، ترب گاو، اندشت، موسیر، کرفس، کنگر، ریواس، لاله پاتشی، گل نرگس، تاج‌ریزی، اسپند یا دنیشک، سیر کوهی، ناخنک، لکچی و کاکنج.

۲- گیاهان علوفه‌ای که خوراکی نیستند و عبارت‌اند از:

خانواده گندمیان، دم اسپیان، شیر مال، شقایق وحشی، چال ما، کده، خارشتر، خارمشتی، زول، خافور، کلاه میرحسین، کلاه میرحسین، جارو، شکر تیغال، قیچ، لاله سرنگون، جاشیر (جوشیر) و بسیاری دیگر از انواع گیاهان.

رویش جنگلی استان به صورت نواری با عرض متغیر بین ۳ تا ۴۵ و به طول تقریبی ۲۱۲ کیلومتر از شمال غربی منطقه شروع و به منطقه فلارد ختم می شود.

مساحت جنگلهای استان حدود سیصد هزار هکتار است که مناطق جنگلی بازفت، اردل، لردگان و فلارد را شامل می شود. درختان جنگلی استان عبارتند از بلوط (که قسمت اعظم جنگلهای استان را شامل می شود)، کلخونک، پسته وحشی، آلبالوی وحشی، چنار، زالزالک و کنار.

### تیره های جانوری

کوهستانها، دشتهای، رودها، مراتع و جنگلهای استان محیط مناسبی را به جهت زیست انواع و اقسام جانوران خشکی و آبی شامل پرندگان، پستانداران، خزندگان و دوزیستان فراهم نموده است.

#### الف- پرندگان

کبک، تیهو، عقاب طلایی، جغد کوچک، شامبوف، سارکپه، سهره معمولی، سهره زرد، سهره گلی، کبوتر چاهی، سبز قباب معمولی، کلاغ ابلق معمولی، کلاغ سیاه، بلدرچین، دودوک، بالابان، شاهین، بحری، دلیجه، دال معمولی، دارکوب راه راه، سنگ چشم خاکستری، زنبور خور معمولی، دم جنبانک ابلق، گنجشک معمولی، گنجشک کوهی، سسک بیدی، باقرقره، سار معمولی، زاغ نوک سرخ، زاغ نوک زرد، کوکر گندمی، هدهد، کبک دری، چکاوک و کاکلی.

#### ب- پستانداران

پلنگ، کل و بز، قوچ و میش، شغال، گرگ، کفتار، تشی، خرگوش، سمور، روباه، گربه وحشی، زردهبر، گورکن، گراز و خرس قهوه ای.



### ج- خزندگان و دوزیستان

آگامپوست شنی و آگامای صخره‌ای، قورباغه معمولی، مارهای نیمه سمی، تیرمار خراسانی، تیرمار، مارهای سمی، مار جعفری، افعی شاخدار ایرانی، گرز مار، مارهای غیرسمی، مار پلنگی، مار قیطانی، شتر مار، لاک‌پشت خاکزی، سمور آبی (سگ آبی) و انواع مارمولک.

### جاذبه‌های طبیعی و گردشگری

استان چهارمحال و بختیاری که موقعیت جغرافیایی ویژه و چهره طبیعی مطلوبی دارد، از نظر گردشگری و جاذبه‌های توریستی، حائز اهمیت است. میزان نزولات جوی عامل تعیین‌کننده‌ای در تنوع پوشش گیاهی از جمله گونه‌های جنگلی است. این جنگلها که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در ردیف جنگلهای غرب و جنوب‌غربی کشور محسوب می‌شوند به‌صورت نواری از منطقه بازفت شروع و به منطقه فلارد ختم می‌شوند.

این استان به علت همین ویژگیهای جغرافیایی از جمله مناطق کوهستانی و جنگلی از شکارگاههای خوبی برخوردار است که انواع گوناگون وحوش حتی حیوانات و پرندگان منحصر به فرد را می‌توان در آنها یافت. اکثر شکارگاههای استان وضعیت مطلوب زیستگاه وحوش را داراست. از جمله شکارگاههای مهم استان تنگ صیاد، سبزکوه، جهان‌بین، زردکوه، میلی، قیصری، کوه سفید و سالدران هستند. همچنین پرندگان مختلفی که در آب‌بندها، باتلاقها، دریاچه‌های طبیعی و تالابها به‌صورت بومی یا مهاجر فصلی زندگی می‌کنند عبارت‌اند از انواع مرغابی، چوپا، باقرقره، هوبره و عقاب که در مجموع به حیات وحش استان زیبایی خاصی بخشیده‌اند. علاوه بر مناطق جنگلی وجود منابع آبی، تالابهای چغاخور، سولغان و گندمان، سد کوه‌رنگ، سد زاینده‌رود و کمربند سبز اطراف آن، آبشار تونل کوه‌رنگ، چشمه‌های دیمه، آبشارهای آتشگاه لردگان و ... زیبایی طبیعت استان را مضاعف کرده‌اند.

وجود کوهها و ارتفاعات برفگیر در استان، باعث جذب طرفداران ورزشهای زمستانی در تمام فصل زمستان شده است و بر همین اساس، پیستهای اسکی و مجتمعهای تفریحی در مناطق مختلف استان فراهم شده است.



مجموعاً استان چهارمحال و بختیاری با دارا بودن ویژگیهای طبیعی، تاریخی و فرهنگی پتانسیلهای فراوانی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی دارد که بر همین اساس، سالیانه به تعداد گردشگران آن افزوده می‌شود.

### پیشینه تاریخی استان

انسانهای دوران غارنشین، مناطق کوهستانی و جنگلی استان را برای زندگی انتخاب کرده‌اند. پناهگاههای طبیعی سنگی، غارها و شکاف کوهستانها در بسیاری از نقاط استان محل زندگی انسانهای اولیه بوده است. کشف ابزار آلات و تیغه‌های سنگی و استخوانی از تعدادی از غارهای استان بیانگر حضور انسان غارنشین در این منطقه بوده است.

کاوشها و گمانه‌زنیهای باستان‌شناسی، آثار درخشانی از دوران پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی استان را کشف و به جامعه علمی عرضه نموده است. این آثار بیانگر تداوم زندگی و حضور انسان در دهکده‌ها، روستاها و شهرهای پیش از تاریخ استان است.

کشف اشیاء و ابزارآلات مختلف و مهم‌تر از همه؛ کتیبه آجری به خط میخی متعلق به ۱۳۰۰ قبل از میلاد که هم‌زمان با حکومت عیلامیها بوده و کشف سفالینه‌ها، سکه‌ها و سایر اشیاء متعلق به دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بیانگر پیشینه فرهنگ و تمدن مردم استان چهارمحال و بختیاری در دوران تاریخی و پیش از اسلام است.

بر اساس متون تاریخی، مردم این منطقه در نیمه اول قرن هجری دین اسلام را پذیرفته‌اند. قیامهای مشعشعیان، ابراهیم مصعمی و خرزاد (فرزاد) بن باص را ساکنان چهارمحال و بختیاری علیه خلفای وقت هدایت و حمایت کرده‌اند.

### آثار تاریخی

آثار و ابنیه تاریخی بسیاری از ادوار مختلف در استان به جای مانده است که به شرح زیر تقسیم‌بندی و به ذکر نام تعدادی از آنها اکتفا می‌گردد.



### ۱- آثار سنگی، صخره‌ای

قدیم‌ترین نوع این آثار استودانهای (استخوان دان) پیش از اسلام هستند که در ناحیه بختیاری پراکنده‌اند و در اصطلاح محلی به «بردگوری» (سنگ گبری) معروف‌اند. نقوش برجسته سنگی: شیرین او (شیرین آب) و الگی متعلق به دوره الیمائی (اشکانی) در منطقه بازفت، خانوی (خان اوی- کاروانسرای آبی- کاروانسرای که کنار آب واقع است) در نزدیکی جونقان و تونل پارتی متعلق به دوره پارت، کتیبه‌های پیر غار، رخ و بکان، گذرگاه سنگی خدا آفرین، کتیبه پل خدا آفرین و تعدادی دیگر، آثار سنگی و صخره‌ای استان را شامل می‌شوند.

### ۲- بناهای مذهبی

مساجد جامع شهرکرد، چالستر، کیان، نقنه، بروجن، مهدیه، هرچگان و بقاع متبرکه امامزاده‌ها در شهرکرد، گندمان، بلداجی، بارده، نافچ، شیخ شبان و سورک از جمله بناهای مذهبی استان هستند که قدیمی‌ترین آنها مسجد اتابکان در شهرکرد متعلق به قرن هفتم هجری است.

### ۳- بناهای عام‌المنفعه

پلهای زمانخان، بهشت‌آباد، دوازده امام، کره بس، بارده وین، حمامهای پرهیزگار شهرکرد، خراجی، سورک، بلداجی، بروجن، ناغان، بارده، گندمان، دزک و دستگرد از جمله ابنیه تاریخی عام‌المنفعه استان محسوب می‌شوند.

### ۴- قلاع و منازل

قلعه‌های دزک، چالستر، سورک، جونقان، شمس‌آباد، بهرام‌آباد، بارده، شلمزار و دهناش از جمله قلاع خانی و قلعه‌های گرمدره و هوره از قلعه‌های دفاعی و منازل آزاده در چالستر و تالار آئینه در شهرکرد از جمله ابنیه تاریخی مسکونی استان هستند.

### کوه‌رنگ

محدوده کوه‌رنگ در متنها الیه شمالی استان، بیلاق طوایفی چند از ایل بختیاری است که از آن جمله‌اند: دورکی باب، بامدی (بابا احمدی) و بابادی، و مرکز آن چلگرد است.

حوزه کوه‌رنگ و شوراب تنگ‌ری تابع شهرستان فارسان بوده که اخیراً متزع و به مرکزیت چلگرد شهرستان «کوه‌رنگ» به تصویب رسیده است (هنوز مصوبه آن رسماً اعلام نشده است). خاستگاه ایلامیها، بنیان‌گذاران اولین حکومت در ایران، کوه‌های بختیاری است و حوزه کوه‌رنگ با خصوصیات فرهنگی و زیست محیطی نقش مهمی در این شکل‌گیری داشته است. قلّه بلند زردکوه که رودخانه‌های زاینده‌رود و کارون از دامان آن سرچشمه می‌گیرند و کوه‌ها و دره‌های پایین دست آن، مردمانی را در خود جای داده‌اند که زندگی گذشته و حال آنها، ستیز و مبارزه‌شان با طبیعت برای بقا، استقامت و پایداریشان برای حفظ فرهنگ خود، شگفت‌انگیز و روستای «سر آقا سید» سرآمد این شگفتیهاست.

### شرایط اقلیمی

اقلیم روستای سر آقا سید در محدوده هوا و اقلیم کوه‌رنگ قابل مطالعه و بررسی است. بارندگیهای منطقه کوه‌رنگ ناشی از جریانهای مرطوبی است که پس از عبور از دریای مدیترانه و غنی شدن از بخار آب از حدود اوائل مهرماه تا اواخر اردیبهشت ماه به همراه مرکز کم فشار مستقیماً از غرب وارد کشور می‌شود.

شاخه‌هایی از این جریان، پس از عبور از دریای سیاه و آذربایجان، از شمال‌غربی وارد ایران می‌شود و منطقه کوه‌رنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیشترین فعالیت سیستمهایی که از غرب یا جنوب‌غربی به منطقه می‌رسند در ماههای دی تا اسفند یعنی فصل زمستان است که خود مؤید حداکثر بارش در فصل زمستان با توجه به آمار و اطلاعات به دست آمده از مراکز هواشناسی منطقه به‌ویژه چلگرد است.

با در نظر گرفتن موقعیت مکانی منطقه، که دارای شرایط خاص توپوگرافی است بارندگیهای منطقه از نوع بارندگیهای کوهستانی (اروگرافیک) است که شرایط خاص خود را دارد.

صعود هوای مرطوب از دامنه کوهها موجب سرد شدن «آریاباتیکی» هوا و در نتیجه، ایجاد ابر و باعث به وجود آمدن ریزشهای جوی به‌صورت باران می‌شود. منطقه کوه‌رنگ و روستای سر آقا سید در استان چهارمحال و بختیاری سردترین ناحیه استان هستند. میانگین سالانه حداقل‌های





روزانه براساس ایستگاه هواشناسی چلگرد حدود  $1/7$  درجه سانتیگراد و حداقل مطلق دما در این ایستگاه  $29/4-$  درجه سانتیگراد گزارش شده است.

میانگین دما در فصول سال در حوزه چلگرد به شرح زیر است: در فصل بهار، میانگین دمای حداقل فقط در ارتفاعات زردکوه زیر صفر است. در بقیه محدوده حداقل  $1/5$  تا  $6/5$  درجه سانتیگراد در نوسان است. میانگین درجه حرارت تابستان به حدود بیست درجه سانتیگراد و کمتر از آن می‌رسد. میانگین دما در پاییز از حدود  $5/5$  درجه سانتیگراد نیز کمتر است. میانگین دما در زمستان  $1-$  تا  $6/8-$  درجه سانتیگراد است. در این منطقه، تیرماه گرم‌ترین و دی ماه سردترین ماه سال به حساب می‌آیند. تعداد روزهای یخبندان سال (یک روز یخبندان عبارت است از یک شبانه‌روز به مدت ۲۴ ساعت که در این مدت حداقل دمای هوا به صفر یا کمتر از صفر می‌رسد) ۱۴۴ روز برآورد شده است.

### سر آقا سید روستایی شگفت

#### معرفی روستا

روستای سر آقا سید به فاصله ۱۳۵ کیلومتری شمال غرب شهرکرد و ۴۹ کیلومتری چلگرد مرکز شهرستان کوهرنگ واقع و جمعیت آن حدود دو هزار نفر است. امامزاده‌ای موسوم به «آقا سید» پایین روستا مدفون شده است. به طوری که بقعه آن از تمامی منازل دیده می‌شود. چون روستا بالا دست امامزاده شکل گرفته، «سر آقا سید» به معنی بالا دست آقا سید و بالا سر آقا سید نامیده می‌شود.

در شمال و شمال شرق روستا کوه نرمة، در شرق کوه چل خیش (چهل خیش)، در غرب کوه مسگک و در جنوب روستا کوه تکیه واقع است. به عبارتی روستای «سر آقا سید» بر دامنه «کوه نرمة» شکل گرفته است. پوشش گیاهی عبارت است از بلوط، بنه، خنجک (کلخونک)، زبان گنجشک، چنار، زالزالک، افرا (کیکم - کهکم) و گون.

**معیشت روستا**

معیشت روستا بر دامداری، کشاورزی و باغداری، زنبورداری و کار در شهرهای اصفهان و شهرکرد استوار است. به علت کوهستانی بودن منطقه، دامها اکثر «بز» و شیوه دامداری به دو صورت «برون کوچ» و «درون کوچ» است. دامداران برون کوچ از اوایل مهرماه تا اوایل بهار سال بعد به محدوده مسجد سلیمان در استان خوزستان کوچ قشلاق خود را می‌گذرانند. دامداران درون کوچ در بهار و تابستان در دره‌ها و دامنه‌های اطراف با افراشتن سیاه چادر و به دور از روستا به کار دامداری می‌پردازند و در فصل زمستان دامها را در اصطبلهای خود در روستا نگهداری و از اندوخته‌های علوفه، آنها را تغلیف می‌کنند.

کشاورزی روستا ناچیز و منحصر به زمینهای سنگلاخ با شیبهای تند است که در آنها عمدتاً گیاهان علوفه‌ای از جمله یونجه کشت می‌کنند. عمده باغداری گردو است که در اطراف روستا و در مزارع یونجه ایجاد شده است. درختان گردوی بسیار کهنسال و تنومند به فراوانی یافت می‌شود. زنبورداری در روستا به شیوه سنتی است و «کندوها» از «کنده» درختان ساخته می‌شود. بدین علت بازدهی آن ناچیز است.

**هنرهای سنتی**

در روستای سر آقا سید تهیه انواع دست‌بافتها که مواد اولیه آن از دام و گیاهان وحشی تشکیل می‌شود رونق فراوان دارد. در گذرها و هر محوطه‌ای که امکان داشته باشد کارگاه بافندگی برپا و زنان و دختران مشغول بافندگی هستند. از جمله دست‌بافتهای روستا عبارت‌اند از: لت سیاه چادر، چوغا، شردنگ، گلیم، جاجیم، خورجین، هور (خور)، وریس و ...

**پوشاک**

اهالی روستای سر آقا سید به علت پابندی به فرهنگ عشایری بختیاری هنوز از پوشاک سنتی استفاده می‌کنند. مردان از «تنبان گشاد»، پیراهن، چوغا و گیوه و زنان پوشاک خاص زنان بختیاری را که بسته به سن افراد، رنگ آنها تغییر می‌یابد به تن می‌پوشند.

**زبان**

زبان اهالی «لری» با گویش بختیاری است.



### فرهنگ و سنن، آداب و رسوم

روستای سر آقا سید گنجینه فرهنگی و سنن بختیاری است. به علت عدم ارتباط زیاد با جوامع شهری اهالی روستا تا حد زیادی فرهنگ و سنن خود را حفظ نموده‌اند. آداب و رسوم آنها به شیوه کاملاً روستایی و عشایری حفظ شده است. اعتقادات آنها از جمله به امامزاده شگفت‌انگیز است. سنن اهالی نیز به نحو مطلوبی حفظ گردیده است. در مراسم اعیاد و سوگواری سنن خاص خود را دارند. اهالی روستای سر آقا سید همگی از سادات بوده و بدون استثناء فامیل «دادور» دارند. این مردم دختر خود را به ازدواج غیر سادات در نمی‌آورند و ولی به‌ندرت، پسران روستا از دختران دیگر طوایف زن می‌گیرند. بدین لحاظ دایره همسرگزینی اهالی از طوایف ساکن و اهالی روستای «خویه» و «صالح کوتاه»، که از همین طایفه هستند، فراتر نمی‌رود.

اهالی سر آقا سید از ایل «چهار لنگ بختیاری- طایفه سادات» هستند. از ویژگیهای مردان میانسال روستا این است که «موی سر» را تراشیده و «ریش» می‌گذارند. زنان علاوه بر پخت غذا و نان، آوردن هیزم از کوه، حمل آب از چشمه، بافتن جاجیم، لت سیاه چادر، قالی و سایر زیراندازها و رواندازها را به عهده دارند. علاوه بر آن، در تهیه فرآورده‌های دامی و امور کشاورزی و دامداری به مردان کمک می‌کنند.

چون همه مردم روستا «سید» هستند در مراسم عروسی از «توشمال» (نوازندگان محلی) دعوت نمی‌کنند. دختران را از چهارده سالگی شوهر می‌دهند. «مرسوم است مراسم عروسی را برپا کرده همه اهالی را دعوت می‌کنند». پس از مراسم «داماد» در خانه خود و «عروس» در خانه پدر می‌ماند. تا موقعی که پدر عروس جهیزیه را آماده کند (این مدت ممکن است از شش ماه تا دو سال طول بکشد). پس از فراهم نمودن جهیزیه به خانواده داماد اطلاع می‌دهند. سپس عده‌ای به فارسان می‌روند و «صیغه عقد» را در دفترخانه رسمی یا به صورت عادی نزد یک نفر روحانی جاری می‌نمایند و به روستا بر می‌گردند. همان شب سه چهار نفر از فامیل داماد به خانه پدر عروس می‌آیند و پس از صرف شام عروس را به خانه داماد می‌برند».

### معماری

«بافت روستای سر آقا سید از نوع مجتمع پلکانی است. خانه‌ها عمدتاً در شیب تند دامنه کوه قرار گرفته و کمبود اراضی مسطح، اهالی را ناگزیر به ساخت خانه‌های بسیار فشرده با حداقل فضای زیستی نموده است. شکل‌گیری مساکن به گونه‌ای است که سقف هر خانه در حقیقت حیاط خانه بالایی محسوب می‌شود و مورد استفاده آنهاست.

اهالی روستای سر آقا سید از حداقل فضاهای ممکن بهره گرفته‌اند. تا حد زیادی با حفر تونل در دل کوه که اصطلاحاً به آن «تو» می‌گویند. انبار کاه و علوفه و محل نگهداری دامهای خود را ساخته‌اند و بر روی آن خانه ایجاد کرده‌اند.

وسعت اتاقهای محل زندگی عمدتاً از ۲×۳ متر فراتر نمی‌رود که در بسیاری موارد یک خانواده چند نفره در این فضا زندگی می‌کنند. به علت کمبود زمین مسطح، اتاقها شکل هندسی و ابعاد مشخصی ندارند. از فضای بام برای خشک و خرد کردن علوفه و سایر محصولات استفاده می‌کنند. فضای ایوان خانه‌ها همواره به جایگاه ذخیره سوخت (هیزم) اختصاص دارد.

مصالح به کار رفته در مساکن روستا سنگ، خشت، گل، تیرچوبی، اندود کاهگل و به‌ندرت از گچ در سفید کردن خانه‌ها استفاده شده است. بافت مجتمع توده‌ای و ساخته شدن پلکانی خانه‌ها در شیب تند دامنه کوه باعث شده است که فضاهای ارتباطی و کوچه‌ها به شکل قابل توجهی کم‌عرض شوند. به طوری که بسیاری از کوچه‌ها غالباً بین نیم تا یک متر عرض دارند و پیچ در پیچ هستند.

برخی اهالی با پوشاندن سقف معابر عمومی، فضاهای زیستی خود را گسترش داده‌اند. بدین شکل، دالانهایی با عرض و ارتفاع کم در روستا بسیار مشاهده می‌شود. در میان این دالانها طویله، کاهدان و انبارهای هیزم قرار گرفته است. در ایوانهای کوچک جلوی هر خانه اجاقی دیده می‌شود که پخت غذا و نان در بهار و تابستان بر روی آن صورت می‌گیرد. در فصول سرد سال، آتش را در اجاقهایی، که در میان اتاق قرار دارد، می‌افروزند که علاوه بر پخت و پز، گرمای مورد نیاز داخل خانه نیز تأمین می‌شود.



دامداران عمده روستا در بهار و تابستان با افزایش سیاه چادر در خارج از محدوده روستا مدت چند ماه را درون سیاه چادر به سر می‌برند که راحت‌تر فرآورده‌های دامی خود را تهیه نمایند.

### چشم‌انداز فرهنگ و تمدن روستای سر آقا سید

در اولین نگاه، نمای روستا و معماری خیره‌کننده آن و جنب و جوش وصف‌ناپذیر مردم آدمی را متحیر می‌کند. فشردگی خانه‌ها، پلکانی بودن آنها، تجمع و چیدمان هیزمهای جنگلی در ایوانها، انباشت خرمن روی پشت‌بام خانه‌ها، سادگی نمای ایوانها و دیوارها و از همه مهم‌تر جنب و جوش اهالی که بسان فعالیت زنبوران در کندو می‌ماند بدون شرح و توصیف، استقامت و پایداری فرهنگ و نسلی را در برابر جاذبه و کشش زندگی شهری و حتی روستایی، اعجاب و شگفتی را در وجودت برمی‌انگیزد.

عجیب است چطور سر آقا سید از آجر، بلوک سیمانی، آهن، ستون آهنی و دیگر عناصر معماری امروزی در ساخت ابنیه به دور مانده، یا نکند دست رد بر سینه آنها زده است. عبور مردم از بین این منازل با بار و بنه چگونه صورت می‌گیرد، این همه خرمن گندم و علوفه بر بام منازل چه می‌کند، آن جفت الاغ، آن جفت قاطر، که مشغول خرمن‌کوبی بر بام منازل هستند خانه را به زیر نیاورند. آن رعیت سر آقا سیدی که مشغول باد دادن خرمن است در این جای تنگ چگونه کاه و کلش را از دانه جدا می‌کند که گرد و غبار خرمن بر روی منازل دیده نمی‌شود. آن زن چه قدرتی دارد که مشک آب سنگینی را در زیر بغل چفت کرده از شیب تند کوچه بالا می‌رود.

الاغ بیچاره با این بار کاه الان در شیب می‌غلطد و تور کاه زودتر از او به قعر دره می‌رود. آن مرد را بین چه بار سنگینی از یونجه را به کول گرفته سر به زیر و در پیچ و خم روستا با عبور از بام منازل خانه خود را می‌جوید. آن پیرمردان، تیر چوبی قطور را به شانه گذاشته کجا می‌برند؟ برای خانه‌سازی؟ مگر ساخت و ساز در سر آقا سید ادامه دارد؟ دالو (پیرزن) مواظب باش از لب بام نیفتی، تو که مشغول پشم‌ریسی با پیلی (پره) هستی کمی عقب‌تر برو. آی بچه‌ها با این همه سرعت به دنبال هم دویدن خطرناک است، دویدن در این شیب با این بامهای لرزان، عجب جرئتی دارید.



پیرمرد تو مشکل از این کوچه‌ها بالا می‌روی، بره راه پشت گردن گرفته‌ای با این سرعت کجا می‌بری؟ آقا مگر تعاونی آرد آورده؟ گونی آرد را با فرقون ببخشید فرقون که: ... لااقل یک نفر را کمک بگیر عجب قدرتی، عجب استواری و اراده‌ای! آن زن‌ها که به صف از دره بالا می‌آیند، چرا کمزور می‌مانند، مگر چه به دوش دارند، بار هیزم؟ این همه هیزم را یک زن یا دختر ده دوازده ساله چگونه حمل می‌کند؟ فاصله جنگل هم کم نیست لااقل باید دوازده کیلومتر از دره و کوه بالا و پایین بروند و با بار هیزم برگردند. تازه مگر هیزم در جنگل آماده کول گرفتن است؟ آن زن و دختر بیچاره سر آسیدی کی از خانه بیرون رفته‌اند که حالا ساعت نه صبح با این بار برمی‌گردند؟ اصلاً توقف و استراحت ندارند، حتماً می‌خواهند زودتر به خانه برسند ناشتایی بخورند، بچه‌ها را شیر دهند و دخترکان آنها را سرگرم کنند تا مادر زودتر خمیر کند و مشغول پختن پطیر شود که نکند، پدر ظهر به خانه بیاید و نانی نباشد.

کمی به خود می‌آیی، در کنار ماشین ایستاده‌ای، با ماشین امکان ورود به روستا نیست. بعد از دیدن این همه چشمه‌های جاری از بالای کوه‌ها، رودهای کف دره‌ها که خشکسالی را از یاد تو برده‌اند، مناظر دل‌انگیز سیاه‌چادرهای عشایری در دامنه کوه‌ها و کف دره‌ها که در مسیر چلگرد به سر آقا سید برای ساعتی ترا از مشغله روزمره جدا کرده باید پیاده روستا را ببینی. تا به خود آیی عده‌ای از اهالی دور شما را گرفته، سلام و تعارف می‌کنند، عجب مردم خونگرم و مهربانی، هر یک شما را دعوت می‌کنند به خانه‌شان بروید. از جایی که ایستاده‌ای به پایین نگاه می‌کنی چند پیرزن مشغول بافتن لت سیاه چادر، جل، شله و جاجیم هستند، اینها که خیلی پیرند اگر بمیرند چه کسی این کارها را بلد است؟ دلت آرام می‌گیرد وقتی متوجه می‌شوی به همراه آنها چند دختر نوجوان هم مشغول کارند، حتماً مثل مادرانشان مهارت پیدا می‌کنند.

آن طرف نگاه می‌کنی، ساختمانی با بلوک سیمانی ساخته شده با آن در آهنی بدقواره که فروشگاه تعاونی روستاست به تو ریشخند می‌زند، دلت می‌خواهد از همین خاک تپه فوراً گل بسازی و به در و دیوار آن بمالی که بدجوری منظره «سر آقا سید» را خراب کرده است.

یکی از اهالی که معلوم است با آقای خدادادی رفاقتی دارد راه می‌افتد و با زبان لری می‌گوید: «کارتان که تمام شد بیائید خانه». با «سید علی» که به علت پیشی گرفتن از بقیه در



تندروی در کوه و دره به «سید کوهی» معروف است پایین می‌رویم و وارد بقعه نوساز امامزاده می‌شویم. آجر نما، ساختمان بلوکی و گنبد فلزی، بین امامزاده و مردم، که این همه به او علاقه دارند و از معجزات او حکایتها می‌گویند، فاصله انداخته. این هم از معجزات معماری و مهندسی بی‌تجزیه و تحلیل و بی‌حساب و کتاب امروزی است. طوری نیست از سر صفا و خلوص بوده.

سید علی شصت ساله که عمری است متولی امامزاده است از معجزات او می‌گوید. فرزندش شش ساله خودش را که سال ۷۸ به علت ۹۰٪ سوختگی، بیمارستان فارسان «جواب کرده بود» به خانه آورد و خودش در امامزاده توسل جست. بعد از پنجاه روز پسر بچه او که حالا هشت ساله است شفا پیدا کرد و به مدرسه رفت.

از آقای صمیمی می‌گوید: سال ۷۵ با ماشینش که تنها پسر بچه‌اش و پیرمردی نود ساله در آن بودند به کف دره غلطید ولی چون موقع حادثه به امامزاده متوسل شده بود، هیچ کدام آسیبی ندیدند.

می‌گوید خود امامزاده شفای همه را می‌دهد آدمها، گوسفندان و گاوها را. لکن بیرق امامزاده فقط شفای انسانها را می‌دهد. مریضی گاو و گوسفند و مال را باید صاحب آن از امامزاده بخواهد. این طور است که سید عیسی، که از نوادگان امام موسی کاظم (ع) است، «آقا سید» نام گرفته و به «سید مرگ ای بر (سید مرگ بر)» معروف شده است، چرا که مرگ را از متوسلان و کسانی که او را صدا بزنند دور می‌کند. سید علی از معجزات امامزاده می‌گوید، من هم سرا پا گوش کنار قبر بدون ضریح امامزاده که با سجاده‌های منقوش پوشیده شده نشسته‌ام.

آقای دواتگری از بیرق فلزی اسلاید می‌گیرد و آقای شاداب عکس، آقای خدادادی هم نماز تحیت می‌خواند. وقتی آماده خروج از امامزاده شدیم نگاهها متوجه «بزمجه» بزرگی در داخل بقعه شد. سید علی و دو پسر بچه با تکه‌ای پارچه آن را گرفتند و بیرون امامزاده رها کردند. سید علی به کاسه آب کنار صحن اشاره کرد که برای «ماری» که هر روز به اینجا سرک می‌کشد گذاشته تا از آن بخورد. می‌گوید: مردم سر آقا سید هیچ جاننداری را حتی ماری که وارد منزل آنها شود نمی‌کشند به او فرصت خارج شدن می‌دهند یا کمک می‌کنند تا از خانه برود. عجب!

از امامزاده خارج شدیم و با سید علی خداحافظی کردیم. مسیری را به طرف غرب روستا به جهت رفتن بر بلندی، که بتوان از آنجا تمام خانه‌ها را دید و عکس و اسلاید تهیه کرد، انتخاب کردیم. نوجوانی که بعداً فهمیدیم «بیت...» پسر میزبان است ما را همراهی کرد. همه از زن و مرد سلام علیک می‌کردند. بچه‌های کوچک که دور سر خود را بنا به سنتی دیرین و برای حفظ بهداشت به همان مدلی که در شهر به آن «آلمانی» می‌گویند مشخصاً با قیچی کوتاه کرده بودند مسافتی ما را همراهی می‌کردند. چقدر این روستا پر آب است. از هر طرف چشمه‌ای جاری است، وارد مزارع یونجه و باغات گردو شدیم. درخت گردویی با تنه بسیار قطور و شکوهمند ما را متعجب کرد. اینجا همه چیز آدم را به تعجب وا می‌دارد. حتی درختانش، مردمانش، ساختمانهایش، فرهنگش و در یک کلام «سر آقا سید» شگفت‌انگیز است. تنه درخت را زنبوران عسل کندو کرده و از آن استفاده می‌کنند. بیت... چند تنه درخت دیگر را هم که کندوی زنبور بود نشان داد.

به بلندی مورد نظر رسیدیم از هر طرف نگاه می‌کردیم، زیبا بود و جذاب. دره‌ها، رودها، چشمه‌ها، باغها، مزارع، سیاه چادرها و ... چون روستا بر روی برآمدگی دامنه کوه دور زده تنها از کوه روبه‌رو کاملاً دیده می‌شود که متأسفانه وقت کافی برای رفتن به آنجا نداشتیم. آقای شاداب از زاویه‌ای عکس گرفت که تابلو نقاشی را از روی آن بکشد. من هم با دوربین آقای دواتگری چند اسلاید گرفتم. آقای خدادادی هم تقاضای عکس یادگاری داشت که اجابت شد و سرازیر شدیم به طرف روستا. با احساس تشنگی، هر یک مستی آب از چشمه به دهان بردیم، همه از گرم بودن آن گله‌مند شدند. چشمه‌ای دیگر کمی بالاتر بود، به طرف آن رفتیم که از سرد بودن آن که در حد انجماد است متعجب شدیم. آقای خدادادی گفت: «چشمه پایین چون آبش به سرعت از زیر سنگ خارج می‌شود گرم است»، ما که حکمتش را نفهمیدیم، یادمان هم رفت از میزبان یا اهالی بپرسیم.

به فاصله‌ای اندک دخترکان مشکها را از چشمه‌ای پرآب که جویی از آن جاری بود پر می‌کردند. خواستیم از آنها تصویر بگیریم که متفرق شدند. پیرزنی کنار خانه‌ای نشسته بود، آقای خدادادی گفت ایشان زن سوم مردی است که سید علی می‌گفت «۱۴۰ سال» عمر دارد، سراغ





شوهرش را گرفتیم گفت: «به دنبال گوسفندان به کوه رفته». با تعجب به گرفتن اسلایدی از او اکتفا کردیم.

در راه پسری مغاره‌های زیر منازل را به ما نشان داد. با دری کوچک که از تنه درخت ساخته شده. از کف کوچه پله می‌خورند، دیوارها سنگی، سقف تیر چوبی و روی آن خانه بنا شده است. داخل آنها برای نگهداری گوسفندان، بزها، گاوها و انبار علوفه به چند قسمت تقسیم شده بود. راهروهای تنگی دارند و کاملاً تاریک. بدون روشنایی امکان ورود به آنها نیست. برق روستا هم که از پاییز سال گذشته قطع شده است. «مقره» تیرهای برق مسیر ضعیف گرفته شده، با «افت ولتاژ» مسیر طولانی، راهی جز قطع کامل برق روستا نبوده است. این هم از محاسبات مهندسان برق. به خاطر آوردن در مسیر چلگرد به سر آقا سید صندوقهای چوبی که مقره‌های برق در آنها بود کنار جاده به چشم می‌خورد.

بعد از تماشای مناظر دل‌پذیر روستا و طبیعت اطراف، وارد خانه «سید الله» شدیم. میزبان عالیقدر ما با همان صفا و صمیمیت «سر آقا سیدی» به انتظار ایستاده بود و ما را به گرمی پذیرا شد. با ورود به خانه پیش‌بینی آقای خدادادی که می‌گفت: سید برای ناهار «بزغاله» سر بریده است درست از آب درآمد. سید مشغول به سیخ زدن گوشت بود و از وضعیت و خصوصیات روستا تعریف می‌کرد: «اهالی روستا از «سادات» هستند. فامیل همه «دادور» است. به جهت اینکه سادات هستند به «عام» (غیر سادات) دختر نمی‌دهند ولی به‌ندرت پسران روستا از دختران دیگر طوایف زن می‌گیرند. (بدین لحاظ، دایره همسرگزینی اهالی روستا از طوایف ساکن و اهالی روستای «خویه» و «صالح کوتاه» که از همین طایفه هستند فراتر نمی‌رود).

اهالی روستای سر آقا سید از ایل «چهار لنگ بختیاری طایفه سادات» هستند. تنها راه معیشت آنها دامداری و کشاورزی است. همه مردم به «گوش بختیاری» تکلم می‌کنند. از ویژگیهای مردان میانسال روستا این است که «موی سر» را تراشیده و «ریش» می‌گذارند.

زنان علاوه بر پخت غذا و نان، آوردن هیزم از کوه، حمل آب از چشمه، بافتن جاجیم، لت سیاه چادر، قالی و بافت سایر زیراندازها و رواندازها را به عهده دارند. علاوه بر آن، در تهیه فرآورده‌های دامی و امور کشاورزی و دامداری به مردان کمک می‌کنند.

چون همه مردم روستا «سید» هستند در مراسم عروسی از «توشمال» (نوازندگان محلی) دعوت نمی‌کنند. دختران را از چهارده سالگی شوهر می‌دهند. «مرسوم است مراسم عروسی را برپا کرده همه اهالی را دعوت می‌کنند. پس از مراسم «داماد» در خانه خود و «عروس» در خانه پدر می‌ماند. تا موقعی که پدر عروس جهیزیه را آماده کند (این مدت ممکن است از شش ماه تا دو سال طول بکشد) پس از فراهم نمودن جهیزیه به خانواده داماد اطلاع می‌دهند. سپس عده‌ای به فارسان می‌روند و «صیغه عقد» را در دفترخانه رسمی و یا به صورت عادی نزد یک نفر روحانی جاری می‌نمایند و به روستا بر می‌گردند. همان شب سه چهار نفر از فامیل داماد به خانه پدر عروس می‌آیند و پس از صرف شام عروس را به خانه داماد می‌برند».

ناهار آماده شد. سفره را پهن کردند. سفره چند گونی پلاستیکی برنج است که به هم دوخته شده و به طرز بسیار زیبا و با مهارت تمام در حاشیه و مرکز آن گلدوزی شده است. «براستی که روستای سر آقا سید و مردمان آن از زن و مرد، کوچک و بزرگ شگفت‌انگیز و سمبل شگفتی «بختیارها» هستند». ناهار کباب است و دوغ. یکرنگی و صفا و صمیمیت میزبان، اشتهای میهمانان را دو چندان می‌کند.

پس از صرف ناهار و خوردن چای، با میزبان و دیگر حاضران که در این چند ساعت ما را همراهی کردند خداحافظی و با گذر از کوچه‌های باریک و دراز روستا نگاهی به سازش انسان با محیط می‌اندازیم و به سمت ماشین می‌رویم. مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات از این روستای شگفت با نزدیک شدن به ماشین به پایان می‌رسد.

#### دلایل پیشنهاد ثبت روستای سر آقا سید در فهرست آثار ملی

۱- از نظر معماری: بافت و معماری روستا شگفت‌انگیز و به علت عدم وجود راه آسفالتی و مناسب به جهت حمل مصالح هنوز از خشت، سنگ و چوب در ساخت منازل استفاده می‌شود. به گونه‌ای که (به استثنای ساختمان امامزاده و چند ساختمان دولتی که خوشبختانه خارج از بافت روستا ساخته شده‌اند) در ساخت هیچ‌یک از منازل از آجر، بلوک سیمانی، تیرآهن و ... استفاده نشده است.



۲- تزئینات منازل بسیار ابتدایی و با کاهگل به رنگهای «اخر» یا سفیدکاری با گچ (که بیشتر به گچ مالی شباهت دارد تا گچ کشی) اندود شده‌اند ولی در جای خود زیبا و حائز اهمیت است.

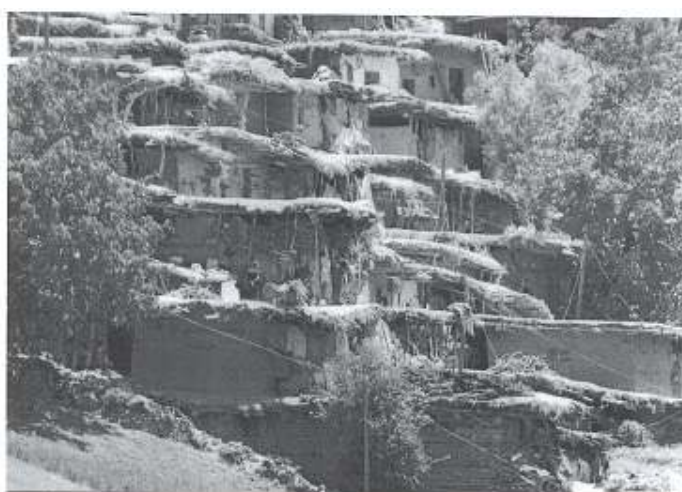
۳- فرهنگ روستای سر آقا سید کمتر دستخوش تغییر و تحولات عصر جدید شده است. به‌گونه‌ای که این روستا از لحاظ مردم‌شناسی و فرهنگی گنجینه فرهنگ عشایری و روستایی بختیاری محسوب می‌شود.

۴- آنچه بیشتر مورد هدف می‌باشد این است که روستای سر آقا سید از همه جهات و به معنی جامع «نمود و یادگار فرهنگ گذشته روستای بختیاری است» و هدف از ثبت آن در فهرست آثار ملی حمایت در حفاظت فرهنگی روستاست که اگر چنین شود این روستا در آینده نه چندان دور یکی از روستاهای «شگفت» و جاذب «گردشگر فرهنگی» کشور خواهد بود خصوصاً اینکه در نزدیکی قطبهای گردشگری استان همچون تونل کوه‌رنگ، دشت لاله‌های واژگون، چشمه‌های دیمه و مناظر طبیعی کوه‌رنگ واقع است.

با تشکر و سپاسگزاری از همراهی و همکاری عزیزان: آقای بهمن خدادادی کارمند نیروی انتظامی استان چهارمحال و بختیاری؛ آقای ابراهیم شاداب؛ آقای حسن دواتگری؛ امور رایانه حسین و سیما صادقی.

#### منابع

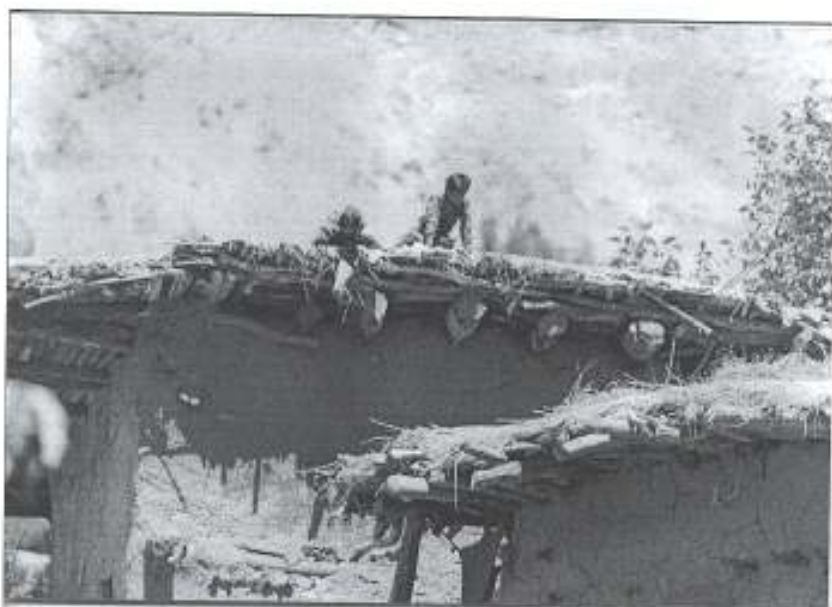
- راستی، فریدون، آشنایی با پاره‌ای از پستانداران استان، فریدون راستی، محیط زیست استان، ۱۳۷۱.
- کاویان، عباس، نگرشی بر مراتع استان، اداره فنی مرتع استان، ۱۳۷۱.
- گزارشی پیرامون پرندگان، محیط زیست استان، ۱۳۷۰.
- مطالعات نیمه تفضیلی کانونهای توسعه شیخ علیخان و بنو استکی، اداره کل امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری.



نمایی از خانه‌های پله‌ای روستا



حمل آب و هیزم توسط زنان روستا



آیا فردای او ...



نمای کلی روستای سر آقا سید